آرمان ملی
armanmeli.ir
سال پنجم شماره ۱۲۹۷
دوشنبه ۱۴۰۱•۰۳•۲۳
۱۳ ذی‌القعده ۱۴۴۳/ ۱۳ جولای ۲۰۲۲

یـادداشـت

ایران نقشه راه ارائه کند

رضا نصری
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

تصویب قطعنامه در شورای حکام و واکنش ایران به آن در مجموع یک پس‌رفت در فرایند دیپلماسی بود. در واقع، با این اتفاق یک عنصر جدید به معادله اضافه شد و آن هم امکان ارجاع پرونده ایران به‌خاطر اختلافات پادمانی از آژانس به شورای امنیت سازمان ملل بود که این خود از یکسو کار را برای دیپلمات‌های ایرانی در وین دشوار می‌سازد و از سوی دیگر این امکان را به آمریکا و غرب می‌دهد تا در صورت شکست مذاکرات وین «ایران» را مقصر اصلی این شکست معرفی کنند. اینکه این قطعنامه به رغم هشدارهای ایران - با رأی بالایی در شورای حکام به تصویب رسید و بعضا مورد حمایت تعداد دیگری از کشورها قرار گرفت نیز نشان می‌دهد آمریکا و دولت‌های غربی در ایجاد یک اجماع علیه ایران نسبتا موفق بوده‌اند. به عبارت دیگر، اگر تا چند ماه پیش ایران می‌توانست قلدری و قانون‌شکنی ترامپ و دولت بایدن را عامل اصلی عدم اجرای برجام و احیانا شکست آن و تضعیف رژیم عدم اشاعه معرفی کند، امروز همسو شدن مدیرکل آژانس، شورای حکام، اروپا و آمریکا با یکدیگر ضمن اینکه موقعیت مذاکراتی ایران را تضعیف می‌کند عملا این فرصت را نیز از تهران گرفته است! به همین خاطر، لازم است ایران با ابتکارات دیپلماتیک و احیانا ارائه یک «نقشه راه» کاربردی و واقع‌بینانه در برابر «نقشه راهی» که ناگزیر با تصویب این قطعنامه برای طرفین ترسیم شده، شرایط را به شرایط مساعدتری برای خود تبدیل کند. در غیر این صورت، از این پس پرونده هسته‌ای تابع زمان‌بندی، ضرب‌الاجل‌ها، محذوریت‌ها و شروطی که آمریکا و غرب - با لابی‌گری اسرائیل - عملا به واسطه شورای حکام تعیین کرده‌اند خواهد بود. مهم‌ترین تاثیر تصویب این قطعنامه این است که آمریکا و غرب عملا به یک اهرم دیگر برای اِعمال فشار به ایران بر سر میز مذاکره مجهز شده‌اند، ضمن اینکه به موضع خود نیز به واسطه همراه‌سازی آژانس نوعی «مشروعیت» بخشیده‌اند تا در صورت شکست مذاکرات «ایران» را مقصر اصلی معرفی کنند. در واقع جای، اگر تاکنون ایران نگران احیای قطعنامه‌های شورای امنیت از طریق توسل غرب به مکانیسم ماشه بود، امروز یک مسیر دیگر نیز در درون آژانس برای ارجاع ایران به شورای امنیت به‌خاطر ادعای نقض تعهدات پادمانی باز شده و این اتفاق خوبی نیست. به عبارت دیگر، تصویب این قطعنامه موجب شد سکان مذاکرات به دست آمریکا و غرب بیفتد. البته هنوز احتمال احیای برجام وجود دارد، اما از این پس لازم است ایران ابتکار عمل را در دست بگیرد و با ارائه یک نقشه راه یا بسته پیشنهادی با یک تیر دو نشان بزند: یعنی از یکسو احتمال موفقیت مذاکرات را از طریق احیای دیپلماسی افزایش دهد و از این طریق از مسیری که شورای حکام تعیین کرده خود را خلاص سازد و از سوی دیگر، فضا را به نحوی سامان دهد که در صورت شکست مذاکرات، طرف مقابل نتواند - به منظور هموار کردن مسیر فشارهای بعدی - «ایران» را مقصر شکست جلوه دهد. هدف اسرائیل از این رایزنی‌ها و جوسازی‌ها این بود که مسیر جدیدی برای ارجاع ایران به شورای امنیت باز کند. از این پس نیز به‌شدت تلاش خواهد کرد پرونده ایران - هم به‌واسطه شکست مذاکرات وین و توسل غرب به مکانیسم ماشه و هم به‌خاطر اتهام نقض تعهدات پادمانی از جانب شورای حکام به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده شود تا در آنجا موضوعاتی به مراتب فراتر از برجام را روی میز شورا قرار دهد. در واقع، هدف اسرائیل این است که مجددا موضوع «حق غنی‌سازی» (یا غنی‌سازی صفر)، موضوع موشک‌های بالستیک، موضوع سیاست‌های منطقه‌ای را در صدر توجه شورای امنیت بنشاند و از این طریق به اهداف راهبردی خود علیه ایران دست یابد. به‌خاطر دلایلی که ذکر شد، همان‌طور که قبلا هم گفته شده بود، معتقدم لازم است موضع ایران در برابر اتفاقات اخیر با قید این ملاحظات اتخاذ شود؛ اول اینکه ایران یادآوری کند محور اصلی تلاش‌ها، مقاومت‌ها و فداکاری‌های آن در ۲ دهه گذشته در پرونده هسته‌ای تثبیت این باور در جامعه بین‌المللی است که «ایران تسلیم تهدید و زور نخواهد شد.» در نتیجه، اگر بنا باشد دولت‌های غربی از سازوکارهای آژانس برای اعمال فشار مضاعف به ایران استفاده کنند، همان‌طور که این روش تاکنون نتیجه عکس داشته، این بار نیز واکنش دلخواه طرف مقابل را به دنبال نخواهد داشت. دوم اینکه ایران یادآوری کند مادام که تحریم‌ها از روی ایران برداشته نشود، ایران هیچ ضرورتی بر همکاری حداکثری، «مشتاقانه» و «خوش‌رویانه» با آژانس و رفع تمام دغدغه‌های ریز و درشت آن نمی‌بیند. به بیان دیگر، هرچند ایران در چارچوب وظایف پادمانی خود عمل خواهد کرد، اما همکاری ایران و آژانس - مادام که تحریم‌ها برقرار است - در حد «رفع تکلیف» و با بی‌میلی خواهد بود. سوم اینکه ایران برای تشدید همکاری با آژانس - لازم بداند آژانس متعهد شود از همکاری با اسرائیل و دولت‌های متخاصمی که از ابتدا نیت‌شان نابودی برجام و فروپاشی فرایند دیپلماسی بود خودداری کند. به بیان دیگر، ایران این موضوع را روشن سازد که از دید تهران منابع اطلاعاتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید صرفا محدود به یافته‌های بازرسان و سازوکارهای درون- نهادی باشد؛ و سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل و دولت‌های متخاصم مغرضی که «شواهد» دست‌کاری شده و «جهت‌دار» در اختیار آن می‌دهند هیچ جایگاهی در فرایند بازرسی و تفحص آژانس نداشته باشند. در کنار این نکات، لازم است ایران یک نقشه راه و یک جدول زمان‌بندی‌شده (Timetable) واقع‌بینانه و کاربردی برای از سرگیری، خروج از انسداد و به نتیجه رساندن مذاکرات در وین به طرف مقابل ارائه دهد، به نحوی که هم ایران به عنوان مبتکر احیای دیپلماسی (نه مقصر شکست آن) ظاهر شود و هم اگر بنا باشد ضرب‌الاجلی تعیین شود، آن ضرب‌الاجل را «ایران» تعیین کرده باشد.

قاسم محبعلی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

نباید بگذاریم پرونده هسته‌ای برود شورای امنیت

اگر پرونده هسته‌ای به شورای امنیت برود باید با برجام خداحافظی کرد

ایران و کشورهای غربی وارد روندی شده‌اند که بحران را تشدید خواهد کرد

برجام حداکثر امتیازی بود که دولت اوباما به ایران داد

اگر به سمت توافقی جز برجام حرکت کنیم باید امتیازات بیشتری بدهیم

بایدن حاضر نیست به اندازه اوباما به ایران امتیاز بدهد

اگر جمهوری خواهان به قدرت برسند شرایط سخت‌تر خواهد شد

آرمان ملی – احسان انصاری: در حالی که در ماه‌های گذشته در برخی مقاطع مواضع ایران و آمریکا به هم نزدیک شده بود یکباره ورق برگشت و با صدور قطعنامه شورای حکام علیه ایران وضعیت برجام وارد فاز جدیدی شد. این در حالی است که ایران نیز در واکنش به قطعنامه اخیر برخی دوربین‌های آژانس را خاموش کرد تا طرفین در مسیری قرار بگیرند که بحران را تشدید می‌کند. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوع با قاسم محبعلی تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. محبعلی معتقد است: «همه شرایط به ما نشان می‌دهد که منافع ایران این است که برجام را حفظ کند و به سمت مسیری حرکت کند که تحریم‌ها برداشته شود. هرچه این اتفاق به تعویق بیفتد ممکن است با چالش‌های بیشتری مواجه شود. به همان اندازه اگر ایران به سمت حفظ برجام و لغو تحریم‌ها حرکت کند با شرایط بهتری مواجه خواهد شد.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

صدور قطعنامه شورای حکام علیه ایران چه پیامدهایی برای مذاکرات هسته‌ای ایران خواهد داشت؟ آیا این اقدامات گره‌های برجام را بیشتر نمی‌کند؟

اقدام اخیر شورای حکام در صدور قطعنامه علیه ایران به نوعی ممکن است آینده برجام را مخدوش کند. در شرایط کنونی ایران سه ماه فرصت دارد که در راستای خواسته‌های آژانس حرکت کند و دغدغه‌های آنها را مرتفع کند. در غیر این صورت این احتمال وجود دارد که در سه ماه آینده شورای حکام پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهد. این یک تصمیم سیاسی است که بستگی به این موضوع دارد که طرف‌های مقابل چه تصمیمی در این زمینه بگیرند. واقعیت این است که وضعیت کنونی روند ارسال پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل را تسریع می‌کند. اگر پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارسال شود نیز به احتمال زیاد باید با برجام خداحافظی کرد. نکته دیگر اینکه ایران در واکنش به صدور قطعنامه شورای حکام دوربین‌های آژانس را خاموش کرده است. من این اقدام را واکنشی می‌دانم. در عالم سیاست باید واقع بین بود و سود و زیان یک تصمیم را در آینده مشاهده کرد. این وضعیت نوعی واکنش در مقابل واکنش را به وجود آورده و به نظر می‌رسد طرفین وارد روندی شده‌اند که بحران را تشدید خواهد کرد.

> به هر حال ما باید این واقعیت را بپذیریم که مسیر دیپلماسی عاقلانه‌ترین و کم هزینه‌ترین مسیر است. به همین دلیل ما باید برای رسیدن به اهدافی که در نظر گرفته‌ایم در همین مسیر حرکت کنیم. موفقیت در این مسیر به تصمیماتی بستگی دارد که در ایران گرفته می‌شود

ایران در مقابل این قطعنامه باید چه رویکردی را در دستور کار قرار می‌داد؟

فعالیت‌های هسته‌ای ایران صلح آمیز است و نسبت به همکاری با آژانس نگرانی وجود ندارد. من معتقدم نباید نگرانی در این زمینه وجود داشته باشد. برنامه هسته‌ای ایران هدف‌های اقتصادی و علمی دارد و در چنین شرایطی می‌توان با آژانس همکاری کرد و نگرانی‌های آژانس را مرتفع کرد. در چنین شرایطی می‌توان بهانه را از دست مخالفان جمهوری اسلامی و مخالفان برجام گرفت. از سال ۱۳۸۴ که ایران اقدام به شکستن مهر و موم آژانس کرد و باعث شد که پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل برود و دولت وقت قطعنامه‌ها بین‌المللی را کاغذ پاره خواند هزینه‌های زیادی به کشور وارد شد. هزینه‌هایی که به مسائل دیگر و از جمله مدیریت داخلی کشور را نیز تحت الشعاع قرار داد. اقدامات تشدید کننده بحران همواره برای کشورها هزینه ایجاد خواهد کرد. مجلس شورای اسلامی می‌تواند در چنین شرایطی رویکرد مثبتی در پیش بگیرد.

شما عنوان می‌کنید اگر پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده شود به احتمال زیاد باید با برجام خداحافظی کرد. آیا برجام آلترناتیو دیگری ندارد و اگر مجبور باشیم با برجام خداحافظی کنیم شرایط ایران در فضای بین‌المللی در چه وضعیتی قرار خواهد گرفت؟

در چنین شرایط باید به دنبال یک توافق جدید بود. این در حالی است که اگر طرفین به سمت یک توافق جدید حرکت کنند این انتظار که به ایران امتیازات زیادی داده شود بعید به نظر می‌رسد. برجام حداکثر امتیازی بود که دولت اوباما حاضر شد به جمهوری اسلامی ایران بدهد. پس از اوباما ترامپ به قدرت رسید که از برجام خارج شد و تنش‌های زیادی با ایران به وجود آورد. در شرایط کنونی بایدن حاضر نیست به اندازه‌ای که اوباما به ایران امتیاز داد به ایران امتیاز بدهد. این در حالی است که شانس پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات کنگره آمریکا بالاست و این احتمال وجود دارد که کنگره در آینده در اختیار جمهوری خواهان قرار بگیرد. از سوی دیگر شانس پیروزی بایدن در انتخابات ریاست‌جمهوری نیز پایین است و جمهوری خواهان از شانس بیشتری برای پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری برخوردار هستند. بدون تردید اگر جمهوری خواهان در آمریکا قدرت را به دست بگیرند شرایط سخت‌تری را برای برجام در نظر خواهند گرفت و مسیر توافق سخت‌تر خواهد شد. همه این شرایط به ما نشان می‌دهد که منافع ایران این است که برجام را حفظ کند و به سمت مسیری حرکت کند که تحریم‌ها برداشته شود. هرچه این اتفاق به تعویق بیفتد ممکن است با چالش‌هایی مواجه شود. به همان اندازه اگر ایران به سمت حفظ برجام و لغو تحریم‌ها حرکت کند با شرایط بهتری مواجه خواهد شد. در چنین شرایطی سطح تهدیدها و تنش‌ها پیرامون ایران افزایش پیدا خواهد کرد. از سوی دیگر قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان، ترکیه و مصر نیز احتمالا به سمت تولید سلاح هسته‌ای حرکت خواهند کرد. این اتفاقات باعث خواهد شد که وضعیت پیچیده‌ای در خاورمیانه ایجاد شود. به همین دلیل اگر نگاه دوراندیشانه‌ای به وضعیت بین‌المللی داشته باشیم باید به سمت یک توافق آبرومندانه و برد- برد حرکت کنیم.

در ماه‌های گذشته در برخی مقاطع مواضع ایران و آمریکا به هم نزدیک شده بود و حتی صحبت از توافق می‌شد. با این وجود به یک باره ورق برگشت و دوباره واگرایی‌های گذشته تکرار شد. چرا در حالی که اخباری مبنی بر توافق به گوش می‌رسید به یک باره همه چیز تغییر کرد؟

یکی از دلایل اصلی این اتفاق جنگ روسیه و اوکراین بود. روس‌ها با این درخواست که خودشان از تحریم‌های برجامی معاف شوند در راستا احیای توافق این مسأله را مطرح و از تاکتیک‌های متفاوتی استفاده کردند. اسرائیل همواره از موضع دشمنی با برجام رفتار می‌کرد و تلاش می‌کرد برجام دوباره به نتیجه نرسد. از سوی دیگر عربستان نیز تلاش داشت مسائل منطقه‌ای در برجام گنجانده شود. از سوی دیگر تندروهای داخلی در آمریکا نیز با برجام مخالف بودند و تلاش می‌کردند در این زمینه سنگ‌اندازی کنند. با این وجود همه این عوامل مسأله مهمی که باعث شد پس از جنگ اوکراین برجام به محاق برود.

> یکی از دلایل اصلی که توافق برجام کند شد جنگ روسیه و اوکراین بود. روس‌ها با این درخواست که خودشان از تحریم‌های برجامی معاف شوند در راستای احیای توافق این مسأله را مطرح کردند و از تاکتیک‌های متفاوتی استفاده کردند. اسرائیل همواره از موضع دشمنی با برجام رفتار می‌کرد و تلاش می‌کرد برجام دوباره به نتیجه نرسد

برخی کشورها مانند قطر و عمان نیز به دنبال میانجی‌گری در زمینه برجام هستند. به نظر شما کشورهای میانجی به چه اندازه می‌توانند به نجات برجام کمک کنند؟

به هر حال ما باید این واقعیت را پذیریم که مسیر دیپلماسی عاقلانه‌ترین و کم هزینه‌ترین مسیر است. به همین دلیل ما باید برای رسیدن به اهدافی که در نظر گرفته‌ایم در همین مسیر حرکت کنیم. موفقیت در این مسیر به تصمیماتی بستگی دارد که در ایران گرفته می‌شود. اینکه ایران از چه میزان آمادگی برای پاسخ دادن به تحرکات در زمینه برجام برخوردار است حائز اهمیت است و می‌تواند سرنوشت برجام را مشخص کند. طرف مقابل نباید به این موضوع فکر کند که از مسیر تشدید بحران می‌تواند به اهداف خود دست پیدا کند. کسانی که چنین دیدگاهی دارند اشتباه می‌کنند و دیدگاه‌های آنها هزینه‌های زیادی برای برجام به‌همراه خواهد داشت. ایران باید تلاش خود را انجام بدهد که از کانال دیپلماسی اهداف خود را دنبال کند و باید همچنان این کانال را حفظ کند. از سوی دیگر باید نسبت به تلاش‌هایی که میانجی‌گران انجام می‌دهند پاسخ مثبت بدهد. دیپلماسی به معنای داد وستد است و کشورها باید تلاش کنند در چنین فضایی منافع خود را تأمین کنند. مسئولان جمهوری اسلامی باید به این نکته فکر کنند که در شرایط کنونی چه امتیازی را می‌توانند از طرف مقابل بگیرند و در مقابل چه امتیازی را به طرف مقابل بدهند.

علی‌محمد نمازی مطرح کرد:

ایجاد گشایش‌هایی در فضای سیاسی کشور

فضای عمومی کشور نیازمند وحدت است

آرمان ملی: در روزهای اخیر اتفاقات زیادی رخ داد که رحلت حجت‌الاسلام دعایی از آن جمله است. انتصاب صالحی به مدیرمسئولی روزنامه اطلاعات پیام تداوم اعتدال را داشت اما سیاسیون برای افزایش مدارا در جامعه چه باید انجام دهند. از سوی دیگر حذف ارز ۴۲۰۰ برخی موارد را در جامعه پدید آورده است. در راستای این موضوعات علی محمد نمازی به سوالات مطرح پاسخ داده شده که در ادامه می‌خوانید.

موضوع آزادسازی قیمت‌ها سبب واکنش‌هایی شده است. تحلیل شما چیست؟

آزادسازی قیمت ابهام پیش می‌رود؛ ابهامی که هنوز برای مردم روشن نشده است. من نمی‌دانم هدف دولت از این اقدام چیست اگر به گفته خودشان این است که می‌خواهند قیمت‌ها را یکسان و رقابتی کنند، بیشترین یارانه در سوخت و بعد در نان است. البته گفته‌اند قیمت نان و سوخت اضافه نمی‌شود این چهار قلم که از سوی دولت انتخاب شده است، نقشی برای مصرف و واردات آنکه قاچاق بشود را ندارد لذا با هدف بسیار خوبی که دولت آقای خاتمی و مجلس ششم تصویب کردند در ماده چهار برنامه چهارم که به‌صورت پلکانی قیمت سوخت واقعی شود و افزایش یابد و سود آن در راستای توسعه سیستم حمل و نقل صرف شود. کشور ما نیز تا زمانی که به سمت اقتصاد رقابتی حرکت نکند سرمایه‌گذاران فضای مناسبی برای کار کردن نخواهند داشت.

تاکید حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی از سوی دولت و برخی کارشناسان اقتصادی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آنچه به‌نظر می‌رسد این است که دولت روی ارز ۴۲۰۰ خیلی مانور داد و گفت از آن سوءاستفاده شده و درست مدیریت نشده است و گفتند اول باید تکلیف این پول را روشن کنیم. دارو و نان و سوخت را نیز گفتند از این قاعده مستثنی است اما نصف درآمد حاصل از واقعی‌کردن قیمت‌ها با دلار ۲۰هزار تومانی، حدود ۲۰۰هزار میلیارد تومان درآمد حاصل می‌شود این رقم با پولی که پرداخت کرده‌اند نصف این پول برای دولت باقی می‌ماند. دولت به‌جای آنکه روی ریشه و علت کار کند روی ارز ۴۲۰۰ کار کرده‌اند.

تصور می‌کنید دهک‌های معیشتی در این طرح متضرر خواهند شد یا دولت فکری برای آنها می‌کند؟

دهک‌های معیشتی معلوم نیست متعلق به چه زمانی هست وقتی می‌گویند از یک‌میلیون تا یک‌میلیون و هفتصد هزار تومان درآمد به دهک اول واقعا کدام خانواده درآمدش می‌تواند همین باشد و دهک‌های بعدی که از دریافت یارانه محروم شده‌اند نشان دهنده ضعف در دهک‌بندی است. دومین اشکال این است که زیرساخت این طرح فراهم نیست اولین قدم این بود که تحریم‌ها لغو شود تا قیمت‌ها کاهش یابد و اقتصاد کشور نفس تازه کند و مردم مقداری درآمد بیشتری پیدا کنند تا تحمل این قضیه را داشته باشند. مشکل بعدی نیز این است که اعتماد محکمی باید بین مردم و جراحان این عمل وجود داشته باشد؛ به‌رغم اینکه گفته‌اند یارانه به حساب مردم ریخته‌ایم خبرهایی از نارضایتی برخی یارانه بگیران می‌آید. آخرین مشکل در این زمینه این است که ما در کشور بخش خصوصی قوی می‌خواهیم که وجود ندارد. کالاهایی که قرار است توسط کالابرگ اعلام شود را چه کسی وارد می‌کند؟ اگر قرار باشد دولت وارد کند که به دهه ۶۰ برمی‌گردیم و یک بدبینی نسبت به کوپن وجود دارد که در گذشته چقدر از آن سوءاستفاده می‌شد. این طرح باید فراگیر و پلکانی باشد.»

مرحوم دعایی مدیرمسئول روزنامه اطلاعات و از یاران بنیانگذار انقلاب اسلامی درگذشت و سیدعباس صالحی از سوی مقام معظم رهبری جایگزین ایشان شد. تحلیل شما چیست؟

از چند جنبه می‌توان به انتصاب آقای صالحی، وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی به نمایندگی ولی‌فقیه در موسسه و روزنامه اطلاعات نگاه کرد. یک اینکه باید توجه داشت ایشان، جانشین یک شخصیت بسیار متعادل و همه‌جانبه‌نگر شده است که همواره تلاش داشت با قشرها، احزاب و جناح‌های مختلف در تماس باشد. مرحوم دعایی همچنین همواره تلاش داشت تا ریسمان محبتی میان جناح‌های مختلف سیاسی باشد و آنها را تا حد امکان به یکدیگر نزدیک کند. روزنامه اطلاعات، به‌فرموده رهبری در سایه هدایت و مدیریت مرحوم آقای حجت‌الاسلام‌والمسلمین دعایی از یک وزانت بالایی برخوردار بود و نظرات بخشی از جامعه ایرانی را پوشش می‌داد. همچنین اخبار مورد توجه بخش‌هایی از جامعه را منعکس و چاپ می‌کرد که شاید گرایشی به روزنامه‌ها و رسانه‌های دیگر نداشتند. روزنامه اطلاعات و این راه ۴۰ساله‌اش با بودن آقای دعایی تغییری نکرد. آنچه در زمان امام خمینی(ره) جاری بود، ادامه پیدا کرد و در زمان رهبر معظم انقلاب هم همچنان ادامه داشت و توانسته بود یک تعادلی را رعایت کرده و در کنار برقراری تعادل، موفق شده بود قشرها و جناح‌های مختلف را به خود جذب کند.

دغدغه فکری شما در روزهای بعد از درگذشت سیدمحمود دعایی چیست؟

بعد از درگذشت آقای دعایی، من خود در این فکر بودم که حالا و بعد از رحلت ایشان، رهبری برای جانشینی ایشان چه تصمیمی خواهند گرفت. همچنین فکر می‌کنم خیلی دیگر از افراد علاقه‌مند به عرصه سیاست و فعالان این حوزه و همچنین فعالان عرصه مطبوعات و اطلاع‌رسانی در این فکر بودند که واقعا چه کسی جای آقای دعایی خواهد آمد که تا حدودی رنگ و بوی ایشان را داشته باشد و بتواند انتظارات را برآورده کند. به نظرم انتخاب رهبری در انتصاب آقای صالحی، آرامش خاطری در بین فعالان و علاقه‌مندان عرصه مطبوعات ایجاد کرد. آقای صالحی در این سال‌ها و در عرصه‌هایی که مسئولیت داشت، نشان داده بود که مقید است تا حد ممکن از افراط و تفریط پرهیز کند و اعتدال را در پیش گیرد. زمانی هم که مدیریت مجله حوزه را برعهده داشت، سعی می‌کرد در این مجله، دیدگاه‌های مختلف را پوشش دهد. دیدگاه‌هایی که عمدتا اصلاح‌طلبان، اصولگراها و مستقلان را شامل می‌شد. یعنی عملکرد ایشان در زمان اداره مجله حوزه قابل‌قبول بود. زمانی هم که به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آمد، در بحث همکاری با نشریات، روزنامه‌ها و جراید مشکل چندانی دیده نمی‌شد. از لحاظ ممیزی هم گله شدیدی را از کسی شاهد نبودیم. به این معنا که در حوزه ممیزی کتب، نشریات و مجلاتی که قرار بود منتشر شود، در دوره مدیریت آقای صالحی، مواردی مبنی‌بر اینکه ممیزی شدید یا تنگ‌نظرانه‌ای از سوی آن مجموعه اتفاق افتاده باشد، ندیده‌ایم. این از یک جنبه. نکته موردتوجه از جنبه دیگر هم آنکه الان مثل ۳۰، ۴۰ سال قبل نیست. با گسترش شبکه‌های مجازی و تقویت ابزار اطلاع‌رسانی که در جامعه به‌وجود آمده است و خیلی هم نمی‌توان کنترلی بر آنها داشت. من بعد از انتخاب آقای صالحی با تعدادی از دوستان صحبت کردم، شبکه‌های اجتماعی را هم که نگاه می‌کردم، دیدم این انتصاب خیلی موجب خوشحالی شده است. به‌نظر من هم انتصاب خوبی بود.

موضوع قابل توجه واکنش مقام معظم رهبری به شعارهایی بود که در زمان سخنرانی آیت‌ا... سید حسن خمینی سر داده شد. تصور می‌کنید نیروهای خودسر تا چه زمانی می‌توانند به اقدامات خود ادامه دهند؟

نحوه مواجهه رهبر انقلاب با نیروهای خودسر در مرقد امام را یادآور شویم. رهبری همزمان با اتمام سخنرانی‌شان در روز ۱۴خرداد در مرقد حضرت امام(ره) یک پرانتز جدی باز کردند و گفتند می‌خواهند چیزی را تذکر دهند. ایشان گفتند: «هنگام سخنرانی

یک کارشناس مسائل آمریکای لاتین مطرح کرد:

چشم‌انداز تقویت روابط اقتصادی ایران و ونزوئلا در شرایط تحریمی

یک کارشناس مسائل آمریکای لاتین با تشریح ابعاد سفر رئیس‌جمهور ونزوئلا به تهران تاکید کرد: دو کشور ایران و ونزوئلا در شرایط تحریمی می‌توانند از مزایای اقتصادی یکدیگر بهره‌مند شوند. الهه نوری در تحلیلی نسبت به اهداف سفر رئیس‌جمهور ونزوئلا به ایران اظهار داشت: همان طور که در خبرها گفته شده نیکولاس مادورو در راس هیات اقتصادی و تجاری تور بین‌المللی را ترتیب داده و پیش از تهران، سفری به ترکیه و الجزایر نیز داشته است، طبق آنچه در اخبار مطرح شده، هدف از این سفر تقویت همکاری‌های اقتصادی دو کشور است. وی تصریح کرد: در واقع می‌شود گفت هدف اصلی این سفر در راستای حل این مساله است که میزان تجارت و سطح همکاری‌های دو کشور که در حال حاضر پایین است، افزایش یابد. ارتباط گسترده ایران و ونزوئلا به رغم اینکه از سال آخر ریاست‌جمهوری خاتمی شروع شد، در دوران احمدی نژاد به اوج رسید و در دوران آقای روحانی نیز دچار یکسری تحولات شد ولی همچنان سطح همکاری‌های تجاری پایین است و در آن سطح قانع کننده‌ای که باید باشد، نیست. این کارشناس مسائل آمریکای لاتین خاطرنشان کرد: کشورهای همسایه مثل ترکیه یا کشورهای حوزه خلیج فارس از قبیل قطر و... مسلما روابط اقتصادی خیلی بالاتری با ونزوئلا دارند و ایران باید جدای از بحث همکاری‌های ایدئولوژیک، راه‌حلی برای مباحث تجاری و تبیین چشم انداز اقتصادی بیاندیشد. در واقع گفته می‌شود این سفر در راستای پیدا کردن راه حلی برای این مساله است. نوری مهم‌ترین توافق نامه میان دو کشور را سند همکاری ۲۰ ساله عنوان کرد که قبلا در سفر وزیر امور خارجه اسبق ونزوئلا آقای گونزالس به ایران به آن تاکید شده بود. وی با تاکید بر اینکه موضوعات نفتی و ارسال میعانات نفتی ایران از مهم‌ترین محورهای مورد بحث در جریان این سفر خواهد بود، ابراز داشت: این مساله می‌تواند نفت ونزوئلا را که شبیه قیر است به نفت قابل فروش در بازار تبدیل کند، باید توجه باشیم ونزوئلا تقریبا بزرگ‌ترین ذخایر نفتی جهان را دارد و حدودا ۸ درصد ذخایر نفتی را در اختیار دارد و این میزان کمی نیست و طبیعتا بحث همکاری نفتی قاعدتا مهم‌ترین مقوله این سند همکاری است. این عضو هیات علمی دانشکده مطالعات جهان درباره اینکه اسناد مورد توافق چه کمکی به تقویت اقتصاد دو کشور می‌کند؟ بیان کرد: درباره اینکه اسناد چه کمکی به تقویت اقتصاد دو کشور تحریمی می‌کند، مهم‌ترین بحث این است که طبیعتا برقراری چنین ارتباطی در شرایط تحریمی درد تحریم را تسکین می‌دهد. نوری خاطرنشان کرد: همه می‌دانیم تحریم‌ها تبعات فراسیاسی دارد و محدود به یکسری قوانین و... نیست، مهم‌ترین بحثی که تحریم‌ها به‌همراه دارد این است که زیرساخت‌های اقتصادی را مورد حمله قرار می‌دهد ضمن اینکه تورم را هم ایجاد می‌کند، بحث‌های حقوقی ناشی از این تحریم‌ها به گونه‌ای است که حتی پس از لغو تحریم‌ها سال‌ها ادامه می‌یابد. وی ادامه داد: وقتی دو کشور تحت تحریم هستند و با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند مسلما از مزایای اقتصادی یکدیگر نیز می‌توانند بهره‌مند شوند، ونزوئلا بزرگ‌ترین ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارد اما به رغم این مسائلی که رسانه‌ها در موردش ایجاد کرده‌اند که با اقتصاد ورشکسته تورمی شناخته می‌شود، این کشور دارای ذخایر نفت و معادن طلاست. برقراری رابطه با چنین اقتصادی مسلما تبعات اقتصادی بدی به‌همراه نخواهد داشت به این شرط که در واقع مفاد قراردادها و این سندهای همکاری و... به گونه‌ای تنظیم شود که امکان برخورداری از مزایای نسبی کشور طرف قرارداد را برای کشور ما هم به‌همراه بیاورد. این کارشناس مسائل آمریکای لاتین بیان کرد: در مورد موفق بودن همکاری‌های اقتصادی همین را باید گفت که ایالات متحده همواره هراس دارد که ایران و ونزوئلا به یکدیگر نزدیک شوند، با کوچک‌ترین رابطه‌ای که بین ایران و ونزوئلا صورت می‌گیرد ما واکنش‌های عظیم رسانه‌ای غرب را شاهد هستیم. این مساله نشان می‌دهد در رابطه و همکاری اقتصادی نه تنها بحث تقویت محور هژمونیک مطرح است بلکه اگر به خوبی تدوین و برنامه‌ریزی شود محور اقتصادی دو کشور تحت تحریمی تقویت می‌شود برای همین است که خیلی از رسانه‌های قوی هراس نزدیک شدن این دو کشور را دارند. نوری با اشاره به اینکه در بحث مسیر ترانزیت تجاری نه تنها درباره ایران و ونزوئلا بلکه ارتباط ایران با تمام کشورهای آمریکای لاتین مطرح است، گفت: برای نمونه درباره برزیل؛ مهم‌ترین شریک تجاری ما در آمریکای لاتین کشور برزیل است ولی به رغم این همه سال رابطه همچنان بحث‌هایی مثل ترانزیت‌های تجاری و زیرساخت‌های اقتصادی وجود دارد. در بحث ونزوئلا نیز مسئولان درصدد هستند تا موانع بر سر راه قراردادهای همکاری را رفع کنند که امیدواریم بحث‌های زیرساختی و... نیز مورد توجه قرار گیرد. وی درباره اینکه آیا تقویت دیپلماسی ایران در آمریکای لاتین با سفر مادورو به تهران دنبال خواهد شد؟ اظهار کرد: بله مسلما، روابط جنوب - جنوب و دو کشور مستقل در حال توسعه جهان سومی مطرح است، طبق ادبیات اقتصادی غرب و از منظر دیپلماتیک شما هر اندازه برای محور ایدئولوژیک خودتان متحد پیدا کنید در آینده ماحصل آن را برداشت می‌کنید. این کارشناس مسائل آمریکای لاتین یادآور شد: درست است مسائل اقتصادی داخلی در کشور وجود دارد، ولی واقعیت این است در این شرایط می‌شود بذری را در روابط سیاسی، اجتماعی و دیپلماتیک کاشت که ماحصل آن بعدا اثر بخش خواهد بود. ما نباید به مساله به چشم‌انداز کوتاه مدت نگاه کنیم، بلندمدت را باید در نظر بگیریم. این عضو هیات علمی دانشکده مطالعات جهان تاکید کرد: اگر ونزوئلا بازیگر انرژی مهم نیست پس القای تحریم‌ها و مجوزی که برای فعالیت شرکت‌ها می‌دهند چیست؟، ایران و ونزوئلا بازیگران مهمی در بازار نفتی جهان و تعیین کننده هستند، وقتی همکاری بین دو کشور صورت می‌گیرد مسلما گام مهمی است و ما نمی‌توانیم از اهمیت این مساله چشم پوشی کنیم.

فــــرارو

فهرست بلندبالای فرصت‌های از دست رفته واشنگتن در قبال ایران

سرانجام و خروجی ماه‌ها مذاکره میان ایران و ایالات متحده بر سر احیای توافق هسته‌ای موسوم به «برجام»، تصویب قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران بود؛ اقدامی که با واکنش سریع ایران روبه‌رو شد و ایران در پاسخ، تعدادی از دوربین‌های نظارتی آژانس را خاموش کرد. همچنین، ایران به برنامه‌های غنی‌سازی خود، وسعت و شتاب بخشیده است؛ اقدامی که به ادعای رافائل گروسی، مدیرکل آژانس، ضربه‌ای مهلک به توافق است. بنابراین و در شرایطی که به‌رغم وضعیت دشوار اقتصادی ایران، رؤیای آمریکایی تغییر نظام سیاسی در ایران، کماکان دست‌نیافتنی به‌نظر می‌رسد، ایالات متحده تنها می‌تواند امیدوار باشد که ایران هسته‌ای نشود. به‌رغم همه لفاظی‌ها، اسرائیل نیز اقدام متهورانه‌ای انجام نخواهد داد؛ زیرا از آسیب‌پذیری‌های خود در منطقه آگاه است. دو دهه گذشته روابط ایران و آمریکا، مملو از فرصت‌های از‌دست‌رفته و سوء‌تفاهم‌های انباشته‌شده است. دراین میان و به گفته ویلیام برنز، رئیس سیا و از حامیان گفت‌وگوی میان ایران و آمریکا، برجام یک استثنا بوده است و بسیاری در داخل آمریکا، دولت بایدن را به دلیل تعلل در رسیدن به توافق با دولت روحانی، سرزنش می‌کنند. به گفته جیمز رابینز، دیپلمات ارشد آمریکایی که در دوران پس از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر، مسئول مذاکره آمریکا با ایران بود، پس از این حادثه تروریستی، پنجره‌ای برای همکاری میان ایران و آمریکا گشوده شد، آن هم در زمانی که به ادعای او برنامه هسته‌ای ایران پیشرفت چندانی نکرده بود. ایران در مذاکرات صلح بن پیشنهادات سازنده‌ای ارائه کرد و در اجلاس بعدی، وعده کمک ۵۵۰ میلیون دلاری به افغانستان داد؛ رقمی که معادل کمک‌های آمریکا به افغانستان بود. اما سخنرانی جورج بوش و نام بردن او از ایران به عنوان یکی از اعضای محور شرارت و سپس متهم کردن ایران به میزبانی از رهبران القاعده، این پنجره را بست. دراین‌میان و به دنبال حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق، تندروهای آمریکایی به تغییر رژیم ایران بیش‌ازپیش امید داشتند؛ اما ایران از این فرصت استفاده کرد و نفوذ خود را در عراق پساصدام و در منطقه گسترش داد. همچنین، دولت احمدی‌نژاد با بی‌توجهی به همه درخواست‌های بین‌المللی، برنامه هسته‌ای ایران را توسعه بخشید. روی کار آمدن دونالد ترامپ، روابط ایران و آمریکا را وارد فاز جدیدی از تقابل کرد و سیاست فشار حداکثری ترامپ، عملا جایی برای مذاکره میان طرفین باقی نگذاشت. ترامپ همچنین با قرار دادن نام سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی، مذاکره با ایران را برای دولت ایالات متحده سخت‌تر کرد. اکنون اما و در شرایطی که چشم‌انداز احیای توافق هسته‌ای چندان امیدوارکننده نیست، می‌توان نگاهی دوباره به فهرست بلندبالای فرصت‌های از‌دست‌رفته جهت بهبود روابط میان ایران و ایالات متحده داشت، فهرستی که گویا قرار است بلندبالاتر شود.

دریچـــه

رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس:

پررویی مدرن، رفتار جدید تروئیکای اروپایی و آژانس

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با این تعبیر که رفتار جدید تروئیکای اروپایی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پررویی مدرن است، گفت: جمهوری اسلامی مقتدرانه راه خود را در دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای در چارچوب استانداردهای آژانس ادامه می‌دهد. وحید جلال زاده در واکنش به قطعنامه ضد ایرانی شورای حکام گفت: تعبیرم از رفتار جدید تروئیکای اروپایی و آژانس بین المللی انرژی اتمی پررویی مدرن است چون ما با کشورهای اروپایی و با آقای گروسی در اسفند سال گذشته قراری منعقد کردیم که در راستای مذاکرات وین مسائل و مشکلاتمان با آژانس حل و فصل شود. گروسی قول داد که در گزارش خرداد ماه خود موضوعات را حل و فصل کرده و رفع ابهام کند. وی افزود: از آنجا که کشورهای اروپایی نتوانستند در مذاکرات مطالب خود را به جمهوری اسلامی تحمیل کنند و دست خالی در مذاکرات هستند خواستند از ابزار آژانس علیه جمهوری اسلامی استفاده کنند حال اینکه این آژانس است که حیثیت بین‌المللی خود را فدای مطالبات یکجانبه آمریکا و برخی کشورهای اروپایی کرده و آبروی خود را پیش ملت ما و کشورهای آزادیخواه برده است. رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اشاره به اقدام متقابل ایران در پی صدور قطعنامه شورای حکام گفت: طبق تصمیم اتخاذ شده ایران در برابر اقدام آژانس عمل متقابل انجام داد که این کار هم در راستای اجرای قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران بود طبق این قانون اگر تحریم‌ها در یک بازه زمانی مشخص شده برداشته نشود ایران باید به همکاری‌های داوطلبانه خود در پروتکل الحاقی پایان دهد. وی با اشاره به خاموشی تعدادی از دوربین‌های نظارتی آژانس بین المللی گفت: تاکنون ایران تصاویر دوربین‌ها را ضبط می‌کرد اما این تصاویر نزد مقامات جمهوری اسلامی امانت بود و به آژانس داده نمی‌شد، از این به بعد این دوربین‌ها خاموش شده است که این کار هم در راستای قانون مصوب مجلس انجام می‌شود لذا ما در قدم فعلی دوربین‌های آژانس را خاموش کردیم و مجلس از این اقدام دولت حمایت می‌کند. جلال‌زاده تاکید کرد: ما از منافع جمهوری اسلامی ایران و ملت ایران کوتاه نمی‌آییم این آژانس است که باید رفتارهای خود را اصلاح کند. آژانس نباید تحت تاثیر کشورهای اروپایی قرار گیرد و از ابزارش علیه ایران استفاده کند. البته که آنها این بار هم ناکام می‌مانند و ما هم از حق خود در دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای عقب نشینی نمی‌کنیم. وی با اشاره به بیانیه سه کشور اروپایی گفت که بیانیه سه کشور اروپایی بعد از اقدام جمهوری اسلامی همچون مثل معروف «با دست پس می‌زنند و با پا پیش می‌کشند». است. آنها بیانیه صادر کردند که به دنبال مذاکرات برجام هستند اما از طرف دیگر در برابر مطالبات جمهوری اسلامی حرکات ظالمانه انجام می‌دهند. جمهوری اسلامی مقتدرانه راه خود را در دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای بر اساس استانداردهای آژانس پیش می‌برد. امیدواریم کشورهای اروپایی و آژانس از اقدامات خود دست بردارند.